

## معرفی کتاب:

### حکمتنامه بسیج

فصلنامه مطالعات بسیج، سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۸۳

محمد محمدی ری شهری، حکمتنامه بسیج، قم، مرکز تحقیقات دارالحدیث، ۱۳۸۱.

انسان برای رسیدن به فلسفه آفرینش خود و بهره‌برداری بهتر از سرمایه زندگی در جهت صعود به قله تکامل مادی و معنوی، نیاز به برنامه دارد. این برنامه در دوران مختلف زندگی و برای اقشار مختلف جامعه متفاوت است. اسلام، پیام آور تکامل برای انسان در همه دوره‌هاست؛ لذا برای آنکه اقشار مختلف جامعه با برنامه متناسب زندگی خود آشنا شوند، رهنمودهای حکیمانه‌ای ارائه کرده است که در هر مقطع از تاریخ، جمع‌آوری و موضوع بندی این رهنمودها متناسب با نیازهای زمان، برای گسترش فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) ضروری و اجتناب ناپذیر است.

بسیج به عنوان یکی از اقشار و نهادهای اسلامی، مدافع ارزشهای اسلامی بوده و پس از انقلاب اسلامی توانسته است با فرهنگ خاص اسلامی خود، به عنوان یک گروه پیشتاز در جامعه اسلامی اثر گذار باشد؛ به گونه‌ای که امام خمینی (ره) به واسطه فرهنگ ایثار و شهادت و شجاعت بسیج فرمودند: در دنیا افتخارم این است که خود یک بسیجی‌ام ....

نگارنده کتاب حاضر با الهام از آیه ۵۴ سوره مائده بیان می‌کند که: در آیه فوق خداوند متعال ضمن تهدید جمعی از همراهان پیامبر اسلام، که باورهای

دینی و دفاع از ارزشهای اسلامی استوار نبودند، با صراحت پیش‌بینی می‌کند که در آینده تاریخ، گروهی به یاری این آیین خواهند شتافت که خداوند متعال آنان را دوست دارد و آنان نیز به خداوند علاقه دارند. آنان با اهل ایمان، فروتن و مهربان و در برابر دشمنان ارزشهای دینی، سرفراز و قاطع هستند و در راه اقامه ارزشهای الهی با دشمنان پیکار می‌کنند و از سرزنش ملامتگران پروایی ندارند.

نویسنده در ۵ فصل و با استناد به آیات و روایات، کانون توجه خود را به تطبیق مطالب و ویژگیهای مطرح شده در این آیات و روایات با بسیج قرار داده، به بررسی جایگاه بسیج و بسیجی و ویژگی، وظایف و ... آنان می‌پردازد.

در فصل اول تحت عنوان: «جایگاه بسیجی» به این موضوع پرداخته شده است که؛ بسیج هنگامی در جایگاه قرآنی خود قرار خواهد گرفت و بسیجی هنگامی پیرو پیامبران بزرگ الهی، برادر خاتم پیامبران در آخرالزمان، ارجمندتر از یاران پیامبر اسلام در بدر و احد و در نهایت زمینه‌ساز حکومت جهانی اسلام به رهبری مهدی (عج) آل محمد (ص) خواهد بود که جانش لبریز از عشق خدا باشد؛ عشق پیامبرانه، نه عشق صوفیانه. محبتی که او را در برابر دوستان خدا، فروتن و در برابر دشمنان او سرفراز کند؛ عشقی که عاشق را برای استقرار آرمانها و ارزشهای الهی و انسانی در جهان به پیکار وا دارد. گواه صداقت عاشق نیز در دعوی محبت، «اذان شهادت و رشادت سردادن» و استواری در برابر تهاجم تبلیغاتی دشمنان خداست.

نویسنده در فصل دوم به بایسته‌های بسیج از طریق کسب آگاهی‌های دینی و سیاسی، اخلاق شایسته و دوری از اخلاق نکوهیده پرداخته و همه این عوامل را پیش نیاز دستیابی به قله‌های رفیع و شکوهمند بسیج دانسته است. سپس عنوان کرده است که بسیجی می‌بایست آگاهی‌های دینی و سیاسی خود را از طریق عواملی چون: هشیاری دینی و سیاسی، دین‌شناسی، دشمن‌شناسی، شناخت اساس دین، تعقل در مسائل و ... افزایش داده، برای کسب اخلاق شایسته، به عواملی چون: اخلاص، ایثار، توکل، زهد، مروت، شجاعت، حق‌گویی و ... روی آورد و از عوامل نکوهیده‌ای چون: بد اخلاقی، عصبانیت، خودپسندی و ... پرهیز کند.

فصل سوم کتاب با تقسیم‌بندی مسئولیتهای بسیجی به مسئولیت فردی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی به تشریح هر یک از آنها پرداخته است.

در مسئولیت فرد، کانون توجه کتاب به انجام واجبات و ترک محرمات و آنچه باعث به کمال رسیدن انسان و تقرب او به خدا می‌شود قرار گرفته است.

در مسئولیتهای اجتماعی به عواملی چون: حسن معاشرت، اهتمام به امور مسلمانان، خیرخواهی برای مردم، نیکی کردن به مردم، یاری ستمدیدگان و کمک به آسیب دیدگان اشاره شده است.

در مسئولیت فرهنگی بسیجی، توجه او را به عواملی که موجب تقویت ارزشها می‌شود معطوف داشته است و سپس مواردی چون: حقوق متقابل فرمانده و بسیجی، اهتمام فرمانده به آموزش نظامی، توجه فرمانده به نیروها، اطاعت از فرمانده، مرز فرمانبری نظامی، آمادگی رزمنده، عشق به شهادت و ... را به عنوان مسئولیتهای نظامی یک بسیجی برشمرده است.

فصل چهارم کتاب، از راز موفقیت بسیجی در پرتو عواملی چون: کسب شایستگی‌های لازم، رعایت ظرفیت مخاطب و ادب، مدارا، تحمل سختی‌ها و اجتناب از خشونت بحث می‌کند.

در فصل پنجم حکمتنامه، دو نمونه از پیش‌تازان وصول به قله جایگاه بسیج معرفی شده‌اند. نمونه اول، شماری از یاران امیرالمؤمنین اند که «شرطه الخمیس (نیروهای ویژه)» نامیده می‌شدند و با آن حضرت پیمان جانبازی بسته بودند. نمونه دوم، یاران سالار شهیدان، امام حسین(ع) هستند که حضرت، آنان را بهترین یاران خوانده است.

عصر ما از نگاه امام خمینی(ره) دوران ظهور سومین نمونه از این دست بسیجیان است؛ آنانی که امام(ره) به خلوص و صفایشان غبطه می‌خورد و بسیجی بودن را مایه افتخار خود می‌داند و از خدا می‌خواهد تا او را در قیامت، در صف آنان محشور نماید:

من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و  
از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گردانند، چرا که در  
این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی